

هم دلی و هم زبانی از مسیر درس پژوهی

دکتر لیلا سلیقه‌دار

میزگردی با حضور آموزگاران دبستان شهید عاصمی یک، درباره‌ی درس پژوهی

اشاره

درس پژوهی رویکردی برای توسعه‌ی دانش حرفه‌ای آموزگاران است که از مدارس ابتدایی ژاپن مطرح شد و توسعه یافت. در این طرح، معلمان با حضور در گروه‌های کوچک، با تشریح مساعی و شرکت در جلسات هم‌اندیشی پیرامون اهداف و محتوای دروس، به یک برنامه‌ی مقدماتی برای تدریس دست می‌یابند. سپس با مشاهده‌ی اجرای برنامه و نقد آن، فرصتی برای رشد فراهم می‌گردد.

درس پژوهی (پژوهش مشارکتی در کلاس درس) توسعه‌ی حرفه‌ای معلمان را در بردارد و برای این توسعه چاره‌ای جز حضور و مشارکت فعالانه‌ی معلمان نیست. در شماره‌ی گذشته، قسمت اول از گفت‌وگو با معلمان دبستان عاصمی یک را خواندید که تجربه‌ی خود را در زمینه‌ی اجرای درس پژوهی در مدرسه‌ی خود به اشتراک گذاشته بودند. در نوشته‌ی پیش‌رو با تجربه‌ای دیگر آشنا می‌شوید و به تماشای مناظره‌ی گروه دیگر از آموزگاران در باره‌ی چه‌گونگی اجرای موفق‌تر درس پژوهی در ایران می‌نشینید.

را شامل شود. در این جلسات تصمیم گرفتیم که اجرا در پایه‌ی چهارم و توسط همکاری از همین پایه صورت گیرد. در این راه از منابع آموزشی هم بهره گرفتیم؛ مانند کتاب «شکاف آموزشی» که به مراحل و گام‌های درس پژوهی اشاره می‌کند.

این توضیحات سؤالی را در ذهنم ایجاد کرد که آن را این‌طور بیان کردم: «همان‌طور که گفتید، مفهوم تقسیم در هر سه پایه آمده است و شما برای این که نتیجه‌ای روشن از کار خود بگیرید، اجرا را به پایه‌ی چهارم محدود کردید. آیا این کار باعث نشد که جلسات برای همکاران در پایه‌های سوم و پنجم بی‌فایده

اولیه، موضوع تقسیم در درس ریاضی توجه همه را به خود جلب کرد. این مفهوم در پایه‌ی سوم معرفی می‌شود، در پایه‌ی چهارم کامل‌تر می‌شود و در پایه‌ی پنجم کاربرد آن مطرح می‌گردد. نکته‌ی مهم این است که این سیر، ارتباط کاملی را برای فهم آن چه از تقسیم مورد نظر بود در هر سه پایه نشان می‌دهد. از طرفی در این زمینه مشکلات دانش‌آموزان در پایه‌ی پنجم بیشتر از پایه‌های دیگر نمود دارد. با این اوصاف تصمیم گرفتیم در جلسات خود به شیوه‌های آموزش تقسیم در هر پایه بپردازیم و در طراحی آموزشی خود به نکاتی برسیم که تدریس مفهوم تقسیم و مسائل مربوط به آن

بیش از یک ساعت از شروع جلسه می‌گذشت و انتظار می‌رفت که شرکت‌کنندگان خسته شده باشند و یکی یکی از جلسه خارج شوند اما این چنین نشد. همه‌ی همکاران با علاقه و نیروی مثال‌زدنی در نشست حضور داشتند و نظرات خود را مطرح می‌کردند. بالاخره نوبت به گروه دوم رسید؛ آموزگاران که در پایه‌های سوم تا پنجم تدریس می‌کنند و با هم یک گروه درس پژوهی را تشکیل داده‌اند. **زهرا گلی‌بزان** آموزگار پایه‌ی پنجم، سخن گفتن را برعهده می‌گیرد و می‌گوید: «به خاطر ارتباط درسی که بین این سه پایه وجود دارد، این گروه تشکیل شد. در بررسی‌های



شود؟»

زهره گلی پزان پاسخ می‌دهد: «در جواب باید بگویم که من در سی‌امین سال کارم هستم و تقریباً مهمان فرض می‌شوم، اما درس پژوهی ثابت کرد که این سی سال کار و تدریس در کلاس به معنای آن نیست که همه چیز را می‌دانم. در این جلسات موضوع اصلی، یعنی مفهوم تقسیم، کاملاً موشکافی شد. ما کار را از جایی شروع کردیم که از تقسیم به‌عنوان آسان‌ترین راه تفریق کردن یاد کنیم و این یعنی این‌که به پایه‌ی سوم و حتی قبل از آن هم نگاه کنیم و درک مفهوم تقسیم را به کاربرد آن چه در پایه‌ی پنجم است هم برسانیم. پس، این برنامه برای همه‌ی ما کاربرد داشت و هر کدام خودمان به این نتیجه می‌رسیدیم که کجای کار خود را باید تغییر دهیم و نیازی به این نبود که مثلاً بگوییم اگر در کلاس سوم این کار انجام شود، بهتر است یا چیزی مثل آن.»

لیلا مستانه دیگر عضو این گروه اضافه می‌کند: «برای نمونه، معمولاً کار در کلاس‌های ریاضی به‌صورت انفرادی است. یعنی اغلب دانش‌آموزان به شکل انفرادی مورد توجه قرار می‌گیرند و از هر یک از آن‌ها

فعالیت خاصی درخواست می‌شود. تجربه‌ی درس پژوهی ما نشان داد که چه‌قدر حتی در کلاس ریاضی هم توجه به گروه، یادگیری دانش‌آموزان را تعمیق و تسهیل می‌کند. به همین خاطر، تغییر رویه‌ی ما در کلاس خودمان اثر داشت؛ بدون این‌که به‌عنوان یک مصوبه یا تصمیم در جلسات مطرح شده باشد.»

اشاره به کار گروهی، **میترا احمدی** آموزگار پایه‌ی سوم را به یاد تجربه‌ای می‌اندازد: «ما برای تقسیم دورقمی بر دورقمی از دست‌بندی شکلات‌ها استفاده کردیم. بچه‌ها هر کدام در گروه خاصی قرار گرفتند که به صورت تصادفی چینش داشتند. نکته‌ی مهم این بود که آن‌ها در تمام مدت به هم کمک می‌کردند و تلاش می‌کردند تا نتیجه‌ی درستی از فعالیت گروهی خود بگیرند. ما در این زمان فقط ناظر بودیم و از این روند بسیار لذت می‌بردیم.»

منیره وکیلی، آموزگار پایه‌ی سوم، سخن دوستان را این‌طور کامل می‌کند: «نکته‌ی مهم این بود که در طراحی آموزشی خود نهایت دقت را به خرج دادیم و در مورد جزئی‌ترین کارها با هم صحبت کردیم.

برای مثال، اعدادی را که می‌خواهیم استفاده کنیم تعیین کردیم؛ به شکلی که در حین اجرا فعالیتی پیش‌بینی نشده مانع یادگیری دانش‌آموزان نشود.»

کلثوم مرجانی مقدم دیگر آموزگار پایه‌ی سوم ادامه می‌دهد: «این دقت در طراحی موجب شد که دانش‌آموزان مناسب‌ترین فعالیت را در هر مرحله از تدریس مجسم، نیمه‌مجسم و مجرد یا انتزاعی شاهد باشند. این کاری است که نه‌تنها در این طرح بلکه در هر کلاسی که قصد تدریس داریم، باید در نظر بگیریم و انجام دهیم.»

با توجه به موفقیت و تجربه‌ی خوشایندی که آموزگاران این مدرسه از درس پژوهی داشتند، موضوع ارائه این طرح در قالب جشنواره را با ایشان در میان گذاشتم تا موافقت، مخالفت و دلایل خود را بیان کنند.

مستانه در گروه موافقان قرار دارد اما برای این موافقت شرطی مهم را ذکر می‌کند: «قبل از هر چیز باید درس پژوهی جا بیفتد. باید به هر معلمی ثابت شود که این کار غیرممکنی نیست و کاری گروهی است که نتیجه‌ی آن به‌طور مستقیم در کلاس خودمان کاربرد خواهد داشت.»

گلی پزان اضافه می‌کند: «هدف نباید مقایسه بلکه بررسی مسائل و اشکالات آموزشی باشد.»

احمدی از منظر دیگری به این موضوع نگاه می‌کند و می‌گوید: «زمانی با چنین شیوه‌ای موافقم که تمام افراد شرکت‌کننده و علاقه‌مند مورد توجه قرار بگیرند.» او برای نظر خود از عملکرد مربی پرورشی مدرسه یاد می‌کند و ادامه می‌دهد: «ایشان در برگزاری برنامه‌های مختلف از تک‌تک افراد شرکت‌کننده به نوعی تقدیر می‌کند و البته برای برگزیدگان برنامه‌های ویژه‌ای در نظر می‌گیرد. این کار باعث می‌شود که انگیزه‌ی بیشتری در افراد برای ادامه‌ی راه ایجاد شود.» اما باقری، آموزگار پایه‌ی دوم بر تلاش مسئولان برای برانگیخته کردن انگیزه‌های درونی معلمان تأکید دارد. او برای توضیح بیشتر از تجربه‌ی خود در گروه‌های آموزشی منطقه سخن می‌گوید: «برای تشکیل کارگروه انشانویسی در منطقه، برای معلمان علاقه‌مند در سطح منطقه فراخوانی منتشر کردیم. در همان ابتدا به دوستان اعلام کردیم که هدف ما از تشکیل این گروه چیست و نیز اشاره کردیم که این کار هیچ حق الزحمه‌ای ندارد و نمی‌توانیم برای آن گواهی ضمن خدمت بگیریم. بنابراین، معلماتی که صرفاً به این موضوع علاقه‌مند بودند، به کلاس آمدند. بدیهی است که کلاس‌ها، خارج از زمان کاری بود و گاهی برخی از همکاران ناچار می‌شدند فرزندان خود را همراه بیاورند. برخی نیز گرسنه و خسته بعد از یک نوبت کاری به کلاس می‌آمدند. با این همه، حضور همکاران مشتاقانه و پربار بود و در جلسه‌ی آخر با درخواست همه برای ادامه‌ی کلاس‌ها در سال بعد روبه‌رو شدیم.»

این تجربه برای ما اثبات این نکته بود که معمولاً و در جایی که کار نه برای خودآموزی و رشد بلکه صرفاً برای رقابت و کاری متفاوت با یادگیری انجام می‌شود، اکراه و واپس‌زنی هم به‌وجود می‌آید. اما در صورت ایجاد انگیزه‌های درونی می‌توانیم انتظار نتایج درخشانی را داشته

باشیم.»

خانمی، معاون پرورشی مدرسه در نقد نظر باقری می‌گوید: «به هر حال، معلم باید به شیوه‌ای به انجام دادن آن چه در کار او اثربخش است، جذب شود. ممکن است وقتی فراخوان می‌دهیم و تنها بر ذوق و احساس درونی همکار تکیه می‌کنیم، تعدادی از افراد را از دست بدهیم و آن‌ها در هیچ برنامه‌ای شرکت نکنند. در چنین شرایطی، ایجاد زمینه برای برقراری تعامل بیشتر بین همکاران می‌تواند مؤثر باشد. وقتی معلمی در طرحی مانند درس پژوهی به هر شکل وارد کلاس معلم دیگر می‌شود، بدون این که نگاه کسی اثبات برتری فردی بر دیگری باشد، در این صورت او ناخودآگاه می‌آموزد و این لذت آموختن می‌تواند به درگیری بیشتر او با برنامه‌هایی از این دست منجر شود.»

احمدی هم با خانمی موافق است و از تجربه‌ی عملی این تعامل در مدرسه‌ی خودشان مثال می‌زند: «رسم خوبی که در مدرسه‌ی ما وجود دارد، این است که اگر کسی در جلسه یا کلاس ضمن خدمت شرکت کند، خلاصه‌ی آن را یا به صورت شفاهی یا روی برگه به دیگر همکاران ارائه می‌دهد. این کار موجب می‌شود که همه از این مطالب استفاده کنند و وحدت و هماهنگی ما هم افزایش یابد.»

مستانه این کار را کافی نمی‌داند و اظهار می‌کند: «از جمله وظایف و مسئولیت‌های معلم این است که به‌روز باشد. حتی کسی که سال‌ها کار کرده است، باید تغییر کند و این امر را برای خود یک ضرورت بداند. بازآموزی و حرکت به سمت جلو که از راه‌های مختلف از جمله درس پژوهی ممکن می‌شود - چیزی نیست که در حد تعارف یا مسابقه باقی بماند بلکه باید به‌عنوان جزئی ضروری به آن نگریسته شود.» متقی آموزگار پایه‌ی اول، نقش مدیر را در اجرای چنین برنامه‌هایی مهم می‌داند و بر ضرورت نگاه یک‌سان مدیر به همکاران تأکید می‌کند. باقری هم با این عقیده موافق است و می‌گوید: «همین نکته موجب شده است

که او و همکارانش بتوانند کارهای زیادی مانند درس پژوهی را انجام دهند؛ بدون این که احساس تنش یا نگرانی کند.»

دیگر دوستان انتقادهایی به اجرای درس پژوهی با شیوه‌ی حاضر دارند. **خاتمی** از دیگر آموزگاران مدرسه، معتقد است برای انجام دادن درس پژوهی باید آزادی عمل بیشتری وجود داشته باشد، به شکلی که معلمان بتوانند مراحل خواسته شده را در هر قالبی به اجرا درآورند. **محبوبه محمدی** از آموزگاران شرکت‌کننده در بحث هم ساده کردن اجرای کار و جلوگیری از کاغذبازی را در تحقق بهتر اهداف درس پژوهی مؤثر می‌داند.

راحله محمدی، کارشناس گروه‌های آموزشی ابتدایی دعوت شده به جلسه، با اظهار این مطلب که انجام دادن درست درس پژوهی کار ساده‌ای نیست، اضافه می‌کند: «مهم این است که این کار شدنی است و نتایج آن موجب تحولاتی گسترده در کلاس‌های درس می‌شود؛ به شکلی که برای سال‌های متمادی معلمان از آن چه در جلسات درس پژوهی فراگرفته‌اند، بهره می‌گیرند و این نتیجه‌ی اندکی نیست.»

مرجانی هم در انتها به نکته‌ای اشاره می‌کند که توجه همه را جلب می‌کند. او می‌گوید: «در تمام مسیر درس پژوهی از همراهی معاونان مدرسه بسیار استفاده کردیم که در اغلب موارد نقش هماهنگ‌کننده و نیز ناظر برنامه و ایجادکننده‌ی ارتباط با دانش‌آموزان را داشتند. این همراهی موجب موفقیت بیشتر ما در برنامه شد؛ تا جایی که فکر می‌کنم باید از آن‌ها به‌عنوان قلب تپنده‌ی اجرایی یاد کرد.»

همه با این نظر موافق‌اند و هیاهوی تقدیر و تشکرها از افرادی که به نوعی هم‌دلی خود را با درس پژوهی مدرسه‌ی عاصمی یک به اشتراک گذاشته‌اند، آغاز می‌شود. با این پایان دل‌انگیز از تمامی آموزگاران و همکاران این مدرسه تشکر می‌کنیم و به انتظار شکوفایی غنچه‌های دیگر درس پژوهی در مدارس هستیم.

